

هنجارهای سازمان ملل متحد برای حمایت از زنان در برابر خشونت و مقایسه آن با حقوق ایران

کیمیا یکنائی

کارشناسی ارشد، حقوق بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران

چکیده

خشونت علیه زنان، یکی از گسترده ترین موارد نقض حقوق بشر است. خشونت وارده بر زنان، توجه و حساسیت دولت ها و سازمان های بین المللی را به خود معطوف داشته که باعث شده سندهای متعددی در راستای ممنوعیت خشونت های مختلف علیه زنان به تصویب برسد؛ باید اذعان داشت که در قوانین داخلی ایران نیز حمایت های کم و بیش قانونی از زنان وجود دارد اما پاسخگوی شدت و وخامت جرایم ارتكابی بر زنان از سوی خانواده یا جامعه نیست و در سطوح اجرایی بعضاً با چالش هایی مواجه می باشد. همچنین اسناد بین المللی در کاهش یا امحای خشونت علیه زنان کارآیی لازم را ندارد. این پژوهش با هدف بررسی هنجارهای سازمان ملل متحد برای حمایت از زنان در برابر خشونت و مقایسه آن با حقوق ایران است.

پژوهش حاضر با استفاده از منابع کتابخانه ای و فیش برداری صورت گرفته است. یافته ها نشان می دهند نظام حقوقی ایران برای حمایت از زنان در برابر خشونت به ویژه خشونت های خانگی، با چالش هایی مواجه است. اولاً محل وقوع جرم، یعنی خانه به عنوان حریم خصوصی افراد، ثانیاً رابطه عاطفی و خصوصی مرتکب و قربانی؛ بنابراین، بخشی از وظایف نهادهای نظارتی (مانند پلیس) و ضمانت اجراها (مانند حبس و دیه) و ادله سنتی اثبات دعوا (مانند سند و شهادت شهود)، در خصوص خشونت های خانگی غیر قابل اعمال می شوند. و نیز در خصوص دیگر مصادیق خشونت به تفصیل در این پژوهش پرداخته شده است. نتیجه نشان می دهد به لحاظ ماهوی، حقوق ایران، در وضع موجود، قوانین و مقرراتی را در جهت حمایت از زنان به تصویب رسانیده است. همچنین سازمان ملل متحد در این راستا نیز اسناد و کنوانسیون های متعددی از جمله کنوانسیون محو تبعیض علیه زنان، کنوانسیون حداقل سن برای ازدواج و دیگر موارد را به جهت حمایت از ایشان به تصویب رسانیده است. اما از حیث سازوکار، مقابله با خشونت، به عنوان امری عمومی، مستلزم عزم سیاسی و خلاقیت حقوقی است. از جمله سازوکارهای فنی حمایت از زنان در برابر خشونت، جلب مشارکت نهادهای مدنی، رسیدگی فوری به گزارش های دریافتی، صدور دستورهای حمایتی و مجازات های خلاقانه، جبران همه انواع خسارت های وارده به قربانی به عنوان متهم، است.

واژه های کلیدی: حمایت از زنان، خشونت علیه زنان، سازمان ملل متحد، حقوق ایران.

-مقدمه

خشونت علیه زنان پدیده‌ای است که مبتنی بر جنسیت افراد برایشان وارد و متعاقب آن حقوق ایشان تضییع می‌گردد. (روی، ۱۳۷۷: ۲۱۴) خشونت علیه زنان شامل خشونت جسمی، جنسی و روانی است که یا درون خانواده یا خانه و یاد چهارچوب روابط بین شخصی رخ می‌دهد؛ چه مرتکب خشونت، محل سکونت یکسانی با زن داشته باشد و چه نداشته باشد و مواردی نظیر تجاوز، ضرب و شتم و قتل و سوء استفاده جنسی را نیز دربرمی‌گیرد و یا اینکه در جامعه روی دهد و شامل تجاوز، سوء استفاده جنسی، شکنجه، قاچاق، روسپیگری و ... می‌شود. (وجدانی فخر و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۵)

خشونت خانگی نیز در میان انواع خشونت، یکی از شایع‌ترین شکل خشونت است که در آن، رفتار خشن یکی از اعضای خانواده (معمولاً مرد) نسبت به یکی از اعضای خانواده (معمولاً زن) اتفاق می‌افتد.

از نظر تاریخی زنان به واسطه تفاوت‌های زیستی و جسمی که با مردان دارند، هم در فضاهای عمومی و هم در فضای خانوادگی با مصادیقی از خشونت مواجه بوده‌اند. (شیخ بهایی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲) دلیل این امر نیز به عوامل مختلف تربیتی، اجتماعی، سیاسی و ... باز می‌گردد. متأسفانه با گذشت سالها و حصول پیشرفت در فضای علم و تکنولوژی و گسترش آموزش و به تبع آن بلوغ نسل بشریت، میزان خشونت علیه زنان هم چنان کاهش نیافته است. (شریتیان و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۸)

کنوانسیون بین‌المللی آمریکایی پیشگیری، مجازات و محو خشونت علیه زنان (کنوانسیون بلم دو پارا) منعقد در سال ۱۹۹۴ را شاید بتوان نخستین سند اختصاصی در زمینه منع خشونت علیه زنان در جهان به رسمیت شناخت. در واقع، قدیمی‌ترین نظام حقوق بشر در سطح جهان، یعنی نظام آمریکایی حقوق بشر، قدیمی‌ترین سند الزام آور تخصصی در زمینه منع خشونت علیه زنان را نیز به خود اختصاص داده است. کنوانسیون بلم دو پارا پیش‌تاز طرح خشونت علیه زنان در سپهر بین‌المللی و شناسایی آن به سان نقض حقوق بشر در عرصه‌های سیاسی، قضایی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. (کهزادی، ۱۳۹۹: ۶۳۶)

در حقوق کیفری ایران نیز علاوه بر بند ۱۴ اصل سوم، اصل ۲۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دولت را موظف نموده است تا حقوق زن را در تمام جهات بارعایت موازین اسلامی تضمین نماید و زمینه‌های مساعد را برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او، حمایت از مادران، ایجاد دادگاه صالح خانواده و غیره انجام دهد. آنچه در این اصل نکته کلیدی است عبارت «موازین اسلامی است که تاییدی بر اصل ۴ قانون اساسی است». (خسروی و همکاران، ۱۴۰۱: ۹۲۸)

در این راستا از جمله تعارضات مقام زن در حقوق بین‌الملل و حقوق ایران، ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر است که مقرر می‌دارد هر زن و مرد بالغی حق دارند بدون هیچ‌گونه محدودیتی از نظر نژاد، ملیت یا مذهب باهمدیگر شناشویی کنند. به علاوه کنوانسیون «برابری» را مترادف «مساوات و تشابه» به کار برده است و این مفهوم برابری بین دو جنس به نظر می‌رسد. عبارت دیگر کنوانسیون «برابری دو جنس» است، ولی حقوق اسلام «ارزش برابر دو جنس» را به رسمیت می‌شناسد. در قرآن کریم آیات متعددی بر تساوی خلقت زن و مرد، وحدت نوع و برابری در ملاک ارزشمندی آنها وجود دارد. (آیه ۱۳ سوره حجرات، آیه ۱ سوره نساء و آیه ۷۱ سوره توبه) با این حال با توجه به کلی بودن متون اسلامی حداقل دو دیدگاه متفاوت هم‌اکنون بین فقها و اندیشمندان اسلامی در کشور وجود دارد: اول دیدگاهی که اگرچه به زن به عنوان یک انسان مشابه و مماثل مرد نمی‌نگرد ولی او را برابر و مساوی مرد می‌داند و دوم دیدگاهی است که به زن به عنوان جنس دوم نگاه می‌کند. (میرجعفری و همکاران، ۱۴۰۰: ۹)

از جمله اقداماتی که در سطح تقنینی در کشور ما برای حمایت از زنان پیش بینی شده است عبارت است از: لایحه حمایت از زنان در برابر خشونت، قانون اعطای تابعیت به مادران، مواد ۱۱۰۷ و ۱۱۱۰ قانون مدنی در مورد نفقه؛ ماده ۱۱۶۹ و ۱۱۷۰ در مورد حضانت و نگهداری کودک یا طرح الحاق یک تبصره به ماده ۱۱۳۰ در مورد عسر و حرج زوجه؛ طرح اصلاح تبصره ماده ۱۰۴۱ در مورد تعیین حداقل سن برای ازدواج دختران؛ طرح الحاق یک تبصره به ماده ۹۴۸ در بحث میراث زوجه؛ طرح اصلاح موادی از آئین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی در خصوص تشکیل کمیسیون خاص خانواده، زنان و جوانان یا طرح حمایت از کودکان و نوجوانان در راستای تصویب کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۳۷۲ توسط ایران؛ و طرح نحوه اهداء جنین به زوجین نابارور. (محمودی و مجیدی، ۱۴۰۱: ۱۱۶)

-ادبیات پژوهش

- وجدانی فخر و دارابی، (۱۴۰۱)، پژوهشی با عنوان «تحلیل حقوقی جرم شناختی شروع به قتل عمد با تاکید بر بزه دیدگی زنان» انجام دادند. یافته هامتضمن آن است که وجود خشونت های منجر به قتل در میان افرادی که واجد رابطه نسبی یا سببی هستند می تواند با مقتولینی که جنسیت مونث را داشته باشند همراه شود؛ و قتل زنان به منزله ابزاری هدفمندی تواند قاتل را به سمت فعلیت بخشیدن طرح جنایت به صورت تام و برون ریزی این مهم سوق دهد. لذا وضع قوانین حمایتی در این خصوص از جمله تصویب لایحه صیانت، کرامت و تامین امنیت زنان در برابر خشونت که در ماده ۵۱ آن به نوعی، شروع به جرم را در جرایم ارتكابی علیه زنان مطرح نظر قرار داده است و دسترسی به منابعی در خصوص افزایش آگاهی و دانش نسبت به سوء رفتارهای تواند در پیشگیری از قتل های مبتنی بر جنسیت موثر باشد.

- شیخ بهایی و همکاران، (۱۴۰۰)، پژوهشی با عنوان «خشونت خانگی علیه زنان در پرتو نظام حقوق بشر بین المللی» انجام دادند. نتایج نشان داد خشونت خانگی علیه زنان از دو منظر قابل توجه می باشد: یکی از منظر حق بر سلامت و دیگری از جهت ممنوعیت تبعیض جنسیتی. اساساً ارتكاب خشونت خانگی علیه زنان به صورت توأمان حق بر سلامت و ممنوعیت تبعیض جنسیتی را که مصداقی از حقوق بنیادین بشری محسوب می شود، رانقض می کند.

- کرمی و همکاران، (۱۴۰۰)، پژوهشی با عنوان «مروری بر منع خشونت علیه زنان در کنفرانس های جهانی ملل متحد راجع به مسائل زنان: روایت بیمه ها و امیدها» انجام دادند. در این پژوهش، اشاره شده است: به نظر می رسد که به رغم بیمه های بسیاری که در تحقق آرزوها و برنامه های مطرح در این کنفرانس ها در مسیر پیشگیری و پیکار با خشونت علیه زنان وجود دارند، می توان و می بایست به پیشروی نوع بشر به سوی شناسایی و اجرای حقوق بشر زنان و پاسداشت کرامت برابر انسانی زنان و مردان در جهانی عاری از خشونت علیه زنان امیدوار بود.

- رحمتی فر، (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان «حمایت حقوقی از زنان در برابر خشونت خانگی» بیان می دارد: نظام حقوقی برای حمایت از زنان در برابر خشونت خانگی، دو چالش اصلی پیش رو دارد: اولاً محل وقوع جرم، یعنی خانه به عنوان حریم خصوصی افراد، ثانیاً رابطه عاطفی و خصوصی مرتکب و قربانی. بنابراین مصادیق عام خشونت، همه انواع خشونت خانگی را پوشش نمی دهد؛ بخشی از وظایف نهادهای نظارتی (مانند پلیس) و ضمانت اجراها (مانند حبس و دیه) و ادله سنتی اثبات دعوا (مانند سند و شهادت شهود)، غیر قابل اعمال میشود. نتیجه نشان می دهد که به لحاظ ماهوی، حقوق ایران، در وضع موجود، ظرفیت شناسایی انواعی کلی و مصادیقی جزئی از خشونت خانگی را ندارد و این اصلاحاتی در قوانین را ایجاب می کند؛ از حیث سازوکار، مقابله با خشونت خانگی، به عنوان امری عمومی، مستلزم عزم سیاسی و خلاقیت حقوقی است. از جمله سازوکارهای فنی حمایت از زنان

دربار خشونت خانگی، جلب مشارکت نهادهای مدنی، رسیدگی فوری به گزارش های دریافتی، صدور دستورهای حمایتی و مجازات های خلاقانه، جبران همه انواع خسارتهای وارده به قربانی و گذاشتن بار اثبات دلیل بر عهده مرد، به عنوان متهم است.

-خشونت بر علیه زنان

درفرنگ حقوقی خشونت را استفاده نابه جا، غیرقانونی و تعرض آمیز از قدرت تعریف می کند. خشونت علیه زنان به هر فعل خشونت آمیز مبتنی بر جنسیت مونث اطلاق می گردد که منجر به آسیب دیدگی یا رنج جسمانی، روانی یا جنسی ایشان می شود.

-نظریه های مربوط به خشونت

-نظریه یادگیری اجتماعی:

آلبرت بندورا (۱۹۷۳) بر مبنای نظریه شناختی اجتماعی و یادگیری مشاهده ای، تأکید کرد که توانمندی انسان برای استفاده از نمادها به او یاری می دهد تا رویدادها را باز نماید؛ تجربه آگاه خود را تحلیل کند و با دیگران در هر فاصله زمانی و مکانی ارتباط برقرار کرده یا به طرح، خلق، تصور و پرداختن به اعمال دور اندیشانه اقدام کند. از نظر بندورا، رفتار در نتیجه کنش متقابل بین شناخت و عوامل محیطی به وجود می آید. شخص می تواند با کمک فرآیند الگوسازی و با مشاهده رفتار دیگران، چه به صورت تصادفی و چه آگاهانه، یاد بگیرد. انتخاب الگوی یادگیری به وسیله شخص، تحت تأثیر عوامل مختلفی نظیر: سن، جنس و موقعیت اجتماعی است و الگوهای برگزیده شده توسط فرد می تواند مطابق با ارزش ها و هنجارهای رسمی جامعه باشد. همچنین فرد ممکن است الگوهای رفتار انحرافی را برگزیند. بر همین اساس، فرآیند «مدل سازی» در کانون توجه نظریه یادگیری اجتماعی قرار دارد که در آن، شخص رفتار اجتماعی دیگران را به وسیله مشاهده و تقلید یاد می گیرد و آموختنی ها از طریق پاداش و تنبیه تقویت می شود. (Christina, n, 2015, 361).

-نظریه فرهنگ:

نظریه ی فرهنگ خشونت از دیگر نظریه های تبیین کننده همسرآزاری است. این نظریه بیان می کند که اساس انواع گوناگون رفتارهای سوء مانند همسرآزاری، کودک آزاری و سالمندآزاری به وسیله جامعه و درون شکل می گیرد. از این دیدگاه فرهنگ میراث اجتماعی گذشته است که بر رفتار کنونی و آینده انسان تأثیر می گذارد. مردانی که با همسران خود بد رفتاری میکنند در فرهنگی زندگی میکنند که در آن حاکمیت مردان بسیار بیشتر از زنان است. از ویژگیهای دیگر این فرهنگ تأثیر پر خاشگری، مردان وجود حاکمیت مردانه و فرمان برداری زنان و تبعیض علیه ایشان است، بنابراین در جوامع پدرسالار استفاده از قدرت برای ثبات حاکمیت مردانه دارای مشروعیت است. در برخی جوامع زمانی که نظم اجتماعی به خطر می افتد برای استقرار آن از خشونت استفاده می شود. این شکل از نظارت اجتماعی یعنی اعمال خشونت برای بقای نظم اجتماعی در جامعه، هم در سطح کلان و هم در سطح خرد (خانواده) صورت می گیرد. (اعزازی، ۱۳۸۰: ۷۱)

-نظریه جامعه پذیری جنسیتی:

جامعه پذیری نقش های جنسیتی، که خود نوعی از جامعه پذیری است، به این معناست که چگونه دختران و پسران، امتیازها و رفتارهای مناسب از نظر جنسیتی را که بر نگرش جنسیتی آنها اثر می گذارد، فرا گیرند. به طور کلی، جامعه پذیری جنسیتی، به معنای شیوه پیدایش و درونی کردن تفاوت های فرهنگی و اجتماعی سفارش شده، در رفتار مردان و زنان است. «کلیشه های جنسیتی تصویر ذهنی یک نواخت و قالب بندی شده ای از رفتارهای خاص مربوط به زنان و مردان را ارائه می دهند بدون آنکه آزمون شده باشند. بر اساس کلیشه های جنسیتی زنان و مردان در جامعه دارای ویژگی های خاص، رفتار خاص و حالات روانی

خاص هستند و در نهایت قابلیت انجام دادن وظایف و کارهایی را دارند که به صورت معمول با یکدیگر متفاوت هستند» بر اساس نظر ایگلی، نمایش رفتارهای جمع‌گرای زنان در درجه اول باید متوجه به افراد نزدیک، باشد ولی آنان این رفتار جمعی را به غریبه‌ها نیز تعمیم می‌دهند. (آزاده، همکاران، ۱۳۸۵: ۲)

-نظریه اقتدار سلطه

از زمانی که پدرسالاری در حدود چهار تا پنج هزار سال پیش تحکیم یافت و مردان دولت‌ها را به وجود آوردند، یکی از اولین اقدامات آنها این بود که زن را از طریق جنس او توصیف کرده و او را از این لحاظ در تنگنا قرار دهند. آنها کاری با علایق و خواسته‌های زنان نداشتند و فقط خواسته‌های خودشان مورد نظر بود. همچنین سعی داشتند قدرت باروری زن کنترل کافی اعمال نمایند. اولین قدم مردها پس ازدواج پدرسالاری این بود که فرزندان را وابسته به دودمان پدری کنند و این رسم قدیمی که فرزندان باید نام والد شناخته شده مادر را بگیرند برانداخته شد. پی بردن به نسبت کودکان از طریق دودمان پدری به مردان این بهانه را داد تا زنان را از سنین جوانی وادار به ازدواج و مراقبت از کودکان کنند. در بعضی از جوامع اولیه اگر زنی رابطه نامشروع داشت حتی اگر مورد تجاوز قرار می‌گرفت او را می‌کشتند یا برده می‌کردند، به اوحق طلاق یا نگهداری از بچه را نداده و در صورت سقط جنین اورابه قتل می‌رساندند. (سرتشنیزی، ۱۳۸۵: ۵۴-۵۵)

-نظریه کارکردگرایی:

برخلاف نگرش فمینیست‌ها، نظر کارکردگرایان در مورد خشونت خانوادگی توجیه‌کننده خشونت است. آنها خانواده را گروهی در نظر می‌گیرند که در آن افرادی با جنسیت‌ها و گروه‌های سنی متفاوت، مدت طولانی در ارتباط نزدیک با یکدیگر قرار می‌گیرند برخلاف سایر گروه‌ها در این گروه سلسله مراتب بر اساس تخصص یا صلاحیت و لیاقت صورت نمی‌گیرد بلکه بر اساس جنسیت سن و قدرت اقتصادی است. وجود علایق متفاوت در این گروه ناهمگون سبب به وجود آمدن تضادهای آشکار یا پنهان می‌شوند. این تضادها، ویژگی‌ها و کارکردهای مناسب خانوادگی را از بین می‌برند از این رو هر اقدام در راستای رفع تضادهای خانوادگی اگرچه با استفاده از قدرت و در مواردی از راه خشونت باشد، موجه و ضروری است. از این رو، در دیدگاه کارکردی خشونت، برای بقای خانواده کارکرد پیدا می‌کند. از نظر این دیدگاه، افراد در گروه خانواده دارای نقشه‌ای بارزی می‌باشند. مثلاً شوهر به عنوان پدر نان آور خانواده محسوب می‌شود و همسر به عنوان مادر وظیفه خانه داری را بر عهده دارد هر یک از افراد گروه‌های خانواده برای ادامه زندگی، بنا به مقتضیات و انتظارات نهادی - اجتماعی نقشهای گوناگون خود را ایفا می‌کنند. پارسونز به عنوان یکی از پایه‌گذاران این نظریه بر تفکیک نقش‌های جنسیتی تأکید می‌کند و پدر را رئیس و مادر را مدیر داخلی خانواده می‌داند. همچنین تحقیقات بات در مورد نقش‌های زناشویی و شبکه روابط خانواده نشان داد که گوناگونی‌های مشهودی در نحوه عمل به نقشهای زناشویی از طرف شوهران و زنان به چشم می‌خورد. در یکی از دو منتهی‌الیه نمونه‌های مورد بررسی خانواده‌ای وجود داشت که در آن زن و شوهر، بیشترین تعداد ممکن از وظایف مختلف را جدا و مستقل از یکدیگر انجام می‌دادند در اداره امور خانه و خانواده تقسیم کار خاصی برقرار بود به طوری که زن وظایف خاص خود را داشت و شوهر نیز کارهای دیگر را که مختص خودش بود انجام می‌داد و اوقات فراغتشان را جدا سپری می‌کردند در منتهی‌الیه دیگر این بررسی، خانواده‌ای وجود داشت که در آن شوهر و زن در بیشترین فعالیت‌های ممکن باهم سهیم بودند و بیشترین اوقات ممکن را در کنار هم می‌گذراندند. آنها تأکید می‌کردند که زن و شوهر باید برابر باشند و تصمیمات مهم را باهم بگیرند و حتی

در جزئی ترین امورخانه و خانواده حتی الامکان به یکدیگر کمک کنند. بات معتقد بود هرچه شبکه روابط خانواده پراکنده تر باشد خانواده نوع دوم بیشتر احتمال بروز دارد و تفکیک نقش های زناشویی کاهش پیدا می کند.

- یافته های تحقیق

- هنجارهای سازمان ملل متحد

در سطح بین المللی حقوق بزه دیدگان از میانه دهه ی ۱۹۷۰ میلادی در مرکز توجه قرار گرفت و در طول زمان، بیشتر کشورها نهادهای متنوعی را برای حمایت از حقوق بزه دیدگان پی ریزی کرده اند و اغلب الگوها در بردارنده ی طرح های جبران خسارت، برنامه های کمک به بزه دیده و مقررات مرتبط با حقوق بزه دیدگان می باشد و در ورای چارچوب های متفاوتی که توسط دولت ها ارائه گردیده است سازمان ملل متحد در جهت حمایت از زنان اسناد حقوق بشری و اسناد کیفری جرم شناختی متعددی را به تصویب رسانده است و در یک دوره زمانی نسبتا کوتاه، چندین سند بین المللی و منطقه ای مهم با موضوعاتی از جمله حقوق بنیادین را به تصویب رسانید اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، میثاق بین المللی حق های مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹) و کنوانسیون امحای تبعیض علیه زنان در زمره اسناد حقوق بشری به حساب می آیند و از آنجا که اعلامیه های بین المللی حقوق بشری جنبه الزام آور حقوقی ندارند به وضع کنوانسیون های دیگر از جمله کنوانسیون منع نسل زدایی (۱۹۴۸)، منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات های بی رحمانه غیر انسانی یا تحقیر کننده (۱۹۸۴) و کنوانسیون پالرمو در سال ۲۰۰۰ پرداخته اند که این هنجارهای کیفری- جرم شناختی سازمان ملل متحد در راستای حمایت از زنان به حساب می آیند. (وجدانی فخر، ۱۴۰۰: ۳۵)

الف) هنجارهای حقوقی سازمان ملل در جهت حمایت از زنان

تمام تلاش سازمان ملل متحد معطوف به این مطلب است که با جلب اعتماد و اجماع جهانی جنبش بین المللی را در راستای ارتقای حقوق زنان و دلجویی از آنها که در طول هزاره های گذشته اندکی مزه عدالت را نچشیده اند گامهای مثبتی بردارد از جمله سازماندهی تشکیل کنفرانس های بین المللی ذیل:

- ۱) کنفرانس سازمان ملل راجع به زنان (مکزیکوسیتی ۱۹۷۵)
 - ۲) کنفرانس سازمان ملل راجع به زنان (کپنهاک ۱۹۸۰)
 - ۳) کنفرانس سازمان ملل راجع به زنان (نایروبی ۱۹۸۵)
 - ۴) کنفرانس سازمان ملل راجع به زنان (پکن ۱۹۹۵)
 - ۵) اجلاس ویژه مجمع عمومی در سال ۲۰۰۰
 - ۶) اجلاس کمیسیون موقعیت زنان سال ۲۰۰۵
- که در این اجلاس ها تهدیدات ملموس علیه زنان در ۱۲ محور شناسایی شد که عبارتند از:

- ۱) فقر پایان ناپذیر زنان
- ۲) ناکافی بودن فرصت های تحصیلی برای دختران
- ۳) فقدان دسترسی برابر به امکانات بهداشتی و بیمه های تامین اجتماعی
- ۴) خشونت خانگی و اجتماعی علیه زنان
- ۵) تأثیرات تنفرانگیز جنگ ها بر زنان
- ۶) نابرابری در مشارکت زنان در سیاستگذاری های اقتصادی

- ۷) نابرابری در مشارکت زنان در پست های سیاسی
- ۸) فقدان ساز و کارهای حقوقی در حمایت از حقوق زنان
- ۹) بی توجهی به بهداشت - آموزش و آینده کودکان دختر
- ۱۰) ناآگاهی زنان جهان از حقوق بشر زنان
- ۱۱) بی توجهی رسانه های ارتباط جمعی به فرهنگسازی برای ارتقای حقوق زنان
- ۱۲) فاصله زیاد زنان از مدیریت منابع طبیعی و محیط زیست.

از دیدگاه نظری و تاریخی بزه دیده شناسی از یک سو به نقش سرزنشگر بزه دیده توجه می کند و از سوی دیگر بزه دیده را صرف نظر از تقصیر شایسته حمایت می داند که این رویکرد حقوق بشری نامیده می شود. بنابراین اگرچه مطالعه بزه دیدگان ابتدا در چارچوب یک رویکرد سرزنش مدار از درون نظریه های جرم شناسانه سر برآورد اما اکنون بیش از سه دهه است که همه نگاه ها به حمایت از بزه دیدگان به منزله اشخاص آسیب پذیر به ویژه گروه های خاص مانند زنان و دختران جهت یافته اند بین المللی شدن بزه دیده شناسی حمایتی فرد بزه دیده را به یکی از کانون های توجه در سطوح بین المللی تبدیل کرده است.

- اعلامیه جهانی حقوق بشر

از دیدگاه نظری و تاریخی بزه دیده شناسی از یک سو به نقش سرزنشگر بزه دیده توجه می کند و از سوی دیگر بزه دیده را صرف نظر از تقصیر شایسته حمایت می داند که این رویکرد حقوق بشری نامیده می شود. بنابراین اگرچه مطالعه بزه دیدگان ابتدا در چارچوب یک رویکرد سرزنش مدار از درون نظریه های جرم شناسانه سر برآورد اما اکنون بیش از سه دهه است که همه نگاه ها به حمایت از بزه دیدگان به منزله اشخاص آسیب پذیر به ویژه گروه های خاص مانند و دختران جهت یافته اند بین المللی شدن بزه دیده شناسی حمایتی فرد بزه دیده را به یکی از کانون های توجه در سطوح بین المللی تبدیل کرده است. و در همین راستا سازمان ملل متحد تلاش خود را برای ایجاد اصول و مقرره هایی برای حمایت از بزه دیدگان به ویژه زنان و دختران با عنوان بزه دیده شناسی ای پی پی ریزی کرده است. اعلامیه ۱۹۸۵ به عنوان سرآمد این تلاش ها و در بردارنده ملاک های جهانی و بین المللی در چارچوب یک بزه دیده شناسی حمایتی به شمار می آید که هرچند به صورت اعلامیه است ولی در بردارنده هنجارهای حقوق بشری حمایتی قابل توجهی می باشد و بی شک می بایست تصویب این سند مهم را نخستین قدم در جهت پیشرفت در حمایت از بزه دیدگان دانست.

- میثاق حق های مدنی و سیاسی

مهمترین سند در زمینه تضمین حقوق شهروندان، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی می باشد که مشتمل بر یک مقدمه و ۵۳ ماده در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ (مطابق با ۱۳۴۵/۹/۲۵ شمسی) به تصویب رسیده و در ۲۳ مارس ۱۹۷۶ (برابر با ۳ فروردین ۱۳۵۵) لازم الاجرا شده است و مهمترین بازتابهای ملاک های جهانی حقوق بشری به نسل یکم از حقوق بنیادی بشر حقوق مدنی و سیاسی از جمله حق زندگی، حق آزادی و حق امنیت شخصی مربوط می شود. به عنوان نمونه ماده ۳ میثاق به تساوی و برابری حقوق زنان و مردان اشاره دارد و برای هیچ یک برتری قائل نشده است و یا در ماده ۶ میثاق به «حق زندگی از حقوق ذاتی شخص انسان است» اشاره نموده است. اصطلاح تبعیض در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی متضمن هرگونه تمایز محرومیت محدودیت یا ترجیحی است که مبتنی بر زمینه هایی چون: نژاد، رنگ، جنس، مذهب، عقیده سیاسی یا دیگر عقاید منشا ملی یا اجتماعی، دارایی، تولد یا دیگر وضعیت ها باشد و هدف یا اثر آن از بین بردن یا تضعیف شناسایی، تمتع یا استیفای همه

حقوق و آزادی های همه افراد بر مبنایی برابر باشد. بند ۱ ماده ۲ مقرر می دارد: دولت های طرف میثاق متعهد می شوند که حقوق شناخته شده در این میثاق را درباره کلیه افراد مقیم در قلمرو تابع حاکمیت شان بدون هیچ گونه تمایزی از قبیل نژاد، جنس زبان مذهب، عقیده سیاسی اصل و منشاء ملی ثروت یا سایر وضعیت ها محترم شمرده و تضمین کنند. و ماده ۳ دولت های عضو را ملزم می کند حق برابر زنان و مردان برای برخورداری از حقوق مدنی و سیاسی را تضمین کنند. و ماده ۲۶ مقرر می دارد همه افراد در پیشگاه قانون برابرند و حق دارند بدون هیچ گونه تبعیضی از حفاظت برابر قانون برخوردار باشند. (وجدانی فخر، ۱۴۰۱: ۳۵)

-اعلامیه رفع تبعیض علیه زنان و کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان

کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان یک معاهده بین المللی است که در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ (۲۷ آذر ۱۳۵۸) قطعنامه شماره ۱۸۰/۳۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد" مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت. تاکنون تنها شش کشور ایران، سومالی، سودان، نائورو، پالائو و تونگا به این کنوانسیون ملحق نشده اند. قطر آخرین کشوری است که در ۲۹ آوریل ۲۰۰۹ به این کنوانسیون پیوسته است. این کنوانسیون مهمترین معاهده ملل متحد در مورد تبعیض جنسیتی است و تبعیض جنسیتی را اینگونه تعریف می کند قائل شدن به هر گونه تمایز استثناء یا محدودیت بر مبنای جنسیت در زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و یا هر زمینه دیگر کمیته رفع تبعیض علیه زنان نهادی برای نظارت بر حسن اجرای این معاهده است که به موجب ماده ۱۷ کنوانسیون تأسیس شده و دارای ۲۳ عضو است. وظیفه اصلی این کمیته بررسی گزارشهای رسیده از کشورهای عضو کنوانسیون و ارائه پیشنهادهای یا توصیه های کلی بر اساس بررسی گزارشهاست. گزارش به کمیته باید یک سال پس از تصویب یا الحاق و پس از آن هر چهار سال یکبار و یا هرگاه که کمیته بخواهد صورت پذیرد. پروتکل اختیاری کنوانسیون امحای کلیه اشکال تبعیض علیه زنان یک قرارداد جنبی کنوانسیون است که دولت های عضو آن صلاحیت را در رسیدگی به شکایات اشخاص می پذیرند این پروتکل در اکتبر ۱۹۹۹ مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت و از دسامبر ۲۰۰۰ به اجرا درآمد و تاکنون ۹۴ دولت به آن پیوسته اند.

ب) هنجارهای کیفری سازمان ملل متحد در جهت حمایت از زنان

از آنجا که اعلامیه های بین المللی در عین حالی که بیان کننده مفاهیم مهم و موثر حقوق بشری هستند اجرا و رعایت آنها تاکید می کنند جنبه الزام آور حقوقی ندارند، اما معاهدات کنوانسیون ها و هنجارهای سازمان ملل متحد در نظام حقوقی برخی کشورها از اعتبار لازم الاجرا برخوردار است در این میان هنجارهای کیفری - جرم شناختی مصوب در سازمان ملل متحد و تحلیل آنها می تواند در تطبیق ساز و کارهای فراملی حمایت از دختران بزه دیده موثر باشد.

-کنوانسیون منع نسل زدایی ۱۹۴۸

نسل کشی، هرگونه اقدام و مبادرت به نابودی و حذف فیزیکی بخش یا کلیت یک گروه نژادی، قومی، ملی، مذهبی یا ایدئولوژیکی توسط یک گروه دیگر است. در تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۴۸ کنوانسیون جلوگیری از نسل کشی و مجازات آن، به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد درآمد و دول متعهد با در نظر گرفتن اینکه مجمع سازمان ملل متحد به وسیله قطعنامه شماره ۸۶(۱) مورخ ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶ خود اعلام داشته که نسل کشی جنایتی است که نسبت به حقوق بین الملل ارتکاب می شود و با اذعان به اینکه در تمام دوره های تاریخ این عمل خسارات بسیاری به عالم انسانیت وارد ساخته است و با اطمینان به اینکه برای رهایی عالم انسانیت از چنین بلای وحشتناک همکاری بین المللی ضرورت دارد، به اجرای مفاد آن متعهد شدند. در ماده

۱ کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایات نسل کشی به طرف های متعهد تایید می کند که نسل کشی چه در زمان جنگ و چه در زمان صلح طبق حقوق بین الملل جنایت است و امضاء کنندگان کنوانسیون به پیشگیری و مجازات آن متعهد می شوند. (گیدنز، ۱۳۹۹: ۳۷۵)

-کنوانسیون منع شکنجه ۱۹۸۴

حقوق بشر می بایست از دامنظر سلبی و ایجابی آن مورد توجه قرار گیرد منع تبعیض و شکنجه به عنوان حق های سلبی شناخته می شوند که در مقام دفاع و ممانعت از تهاجم و تجاوز و مخدوش ساختن آن مطمح نظر قرار می گیرد و هدف از وضع کنوانسیون منع شکنجه و هنجارهای دیگر در این خصوص ارتقاء کرامت انسانی و حمایت از افراد است. حقوق بین الملل درباره منع شکنجه صراحت دارد و در هر وضعی به کارگیری شکنجه را مردود می داند دلایلی نظیر تهدید امنیت داخلی تهاجم خارجی، تروریسم و یا مصلحت نظام به هیچ وجه اعمال شکنجه و یا رفتارهای خشن و موهن را توجیه نمی کند قاعده منع شکنجه قاعده ای است جهانی و در هر زمان و در هر شرایطی اطلاق دارد. منع شکنجه به موجب دومنبع حقوق بین الملل قاعده ای متبع شناخته شده و از اقتدار حقوقی برخوردار گردیده است. ماده ۷ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی اعلام داشته است هیچ کس را نمیتوان مورد شکنجه و آزار و یا رفتارهای خشن غیر انسانی یا موهن قرارداد. قاعده منع شکنجه در بسیاری از کشورها پذیرفته شده است البته واکنش دولت ها علیه شکنجه متفاوت است. (اردبیلی، ۱۳۷۰: ۱۸۴)

- پروتکل یک کنوانسیون پالمو ۲۰۰۰ و کنوانسیون ۱۹۴۹ منع قاچاق انسان و بهره گیری از روسپی گری دیگران
پیشبرد نظام سرمایه داری و بازار آزاد وابسته به تقویت روحیه لذت طلبی، مصرف گرایی، تنوع طلبی و انحرافات اخلاقی است و ارضای این نیازهای فردی و اجتماعی کاذب و نوین، نیازمند تولید و توسعه تکنولوژی های جدید نظیر ماهواره، اینترنت و شبکه های تلویزیونی ... است. نظام های استثماری همچون با سرگرم نمودن جوامع در لذات کاذب جسمانی و جنسی، اذهان و افکار عمومی را از مسائل مهم و اساسی جوامع دور می کنند و می کوشند با ایجاد شبکه های بین المللی جنسی و طرح نظریات مختلف در حوزه های جامعه شناسی، روانشناسی و سایر علوم به توجیه ضرورت وجود تشکیلات و صنعت جنسی بپردازند. بازارهای روسپی گری راطیفی از زنان با انگیزه های مختلف تشکیل می دهند که اکثر آنان از مسیر و فرآیند قاچاق وارد این تجارت شده اند. زنانی که به دلیل فقر اقتصادی به فحشا کشیده می شوند مشکلات این شغل را تا یافتن کار مناسب تحمل می کنند و یا زنانی که با جبر و بدون اختیار مجبور به فحشا شده اند و حتی زنانی که داوطلبانه وارد این شغل شده و به دلیل خلأهای شخصیتی، خشونت و بهره کشی اجتماعی را می پذیرند، همین طور زنانی که دوران کودکی را با عدم موفقیت در رقابت با سایرین و کمبود حمایت و توجه از سوی والدین، معلمان و کارفرمایان پشت سر گذاشته اند، طعمه های خوبی برای قاچاقچیان محسوب می شوند. (وجدانی فخر، ۱۴۰۱، ۳۵)

-موضع ایران در برابر خشونت علیه زنان

-متنهای فروتقنینی (لوايح)

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در همین راستا از رهگذر قسمت «زن در قانون اساسی» در مقدمه این قانون ضمن اشاره به این نکته که خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده زمینه ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد یابنده انسان و اصل اساسی بوده است بر حمایت دولت از این نهاد تأکید ورزیده اند. به هر رو آنچه که در این استاد و مقررات بنیادین خانواده پیداست این است که حمایت از خانواده به منظور بهبود وضعیت

آن مورد تاکید قرار گرفته است تا این نهاد که یقیناً شاخص ترین رسالت آن تربیت و پرورش کودکان است بتواند به شکل مناسب در این زمینه گام بردارد. طبیعتاً هرگاه این نهاد در این جهت به درستی نقش ایفا نکند از احتمال همنوایی این دسته با قواعد هنجارهای اجتماعی و برخورداری از وضعیت رفتاری منسجم کاسته می شود. (نیازپور، ۱۳۹۱، ص ۱۸۸)

-لایحه حمایت از زنان

در قوانین ایران، اگرچه هنجارهایی در خصوص حمایت از زنان به صورت هرچند پراکنده وضع شده است، لکن تجمیع و انسجام همه قوانین در کنار جرم انگاری های اشکال جدید مزاحمت و تعدی به حقوق زنان ایجاب می کند که تدابیر پیشگیرانه و حمایتی از یک سو و مقررات کیفری خاص از سوی دیگر تقویت و توسعه یابد. پس از گذشت یک دهه از زمان آغاز تدوین لایحه خشونت بررسی این لایحه در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار گرفته است. این لایحه با هدف حفظ کرامت، ایجاد حمایت و بازدارندگی در مقابل آسیبهای گوناگون به زنان تدوین شده است. طبعاً انتظار آن است که ریشه و مبنای نگارش چنین لوایحی در نظام جمهوری اسلامی موازین شرعی استاد ملی مرتبط با این موضوع باشد که سرچشمه آنها مبنای غنی دینی و فرهنگی جامعه ایران است. اما متأسفانه نتایج این پژوهش حاکی از آن است که در تدوین لایحه مزبور موازین شرع به عنوان اصلی ترین منشأ قانونگذاری محل توجه نبوده و و نهایتاً تلاش شده تا مواد آن مغایرتی با احکام اسلامی نداشته باشد. اسناد بالادستی ملی نیز در تدوین لایحه مداخلت جدی نداشته اند تصویب این لایحه با این مضامین و مفاهیم به نوعی القاء کننده وجود خشونت در جامعه دینی ایران علیه زنان است. این نحوه بیان و قانونگذاری میتواند دستاویز جدیدی برای تبلیغ و فعالیت علیه نظام جمهوری اسلامی باشد. تصویب این لایحه میتواند عاملی برای تشدید برخی معضلات حوزه خانواده و بروز اختلالات فرهنگی باشد، همچنین به نظرمی رسد طراحان لایحه، اهتمام جدی به رعایت اصول و فنون قانونگذاری نداشته اند و از این حیث انتقاداتی بر لایحه وارد دانسته شد. (وجدانی فخر، ۱۴۰۱، ۳۸)

-لایحه اصلاح ماده ۶۱۲ تعزیرات

لایحه اصلاح ماده (۶۱۲) قانون مجازات اسلامی که با هدف حفظ امنیت حریم خانواده و حمایت از اخلاق گرای در مواجهه با قتل عمدی پدر، مادر، همسر و فرزند و ضرورت سختگیری در مقابله با اقدام علیه عدالت قضایی و نیز برقراری حمایت های خاص قانونی در مورد قتل افراد آسیب پذیر نظیر اطفال، زنان باردار و بیماران روانی و به منظور افزایش میزان بازدارندگی مجازات قتل عمدی، پیشنهاد شده است در جلسه روز یکشنبه به تصویب هیات وزیران رسید. به موجب این اصلاحیه، هرکس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و یا به هر علت قصاص نشود، به حبس تعزیری درجه چهار محکوم می شود. (پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۴۰۱)

(ب) -متون تقنینی (مقررات)

-قوانین کیفری

نگرانی سیاست گذاران در دوده اخیر نسبت به کاهش رشد جمعیت کشور، موجب شد که طرح و سیاست های متعددی جهت تغییر این روند پیشنهاد گردد. قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت (۱۴۰۰) بیانگر آخرین اراده قانون گذار جهت تغییر این روند است. این قانون در کنار تدابیر حمایتی و تشویقی، ممنوعیت ها و محدودیت های مختلفی در زمینه غربالگری، ارائه وسایل پیشگیری از بارداری، عقیم سازی و سقط جنین قانونی در نظر گرفته است. در کنار این موارد، همانند اغلب قوانین خاص، استفاده از تدابیر کیفری نیز مدنظر قانون گذار بوده و تلاش شده است از طریق آن، هدف اصلی تدوین کنندگان قانون یعنی افزایش جمعیت محقق شود. با این حال، مداخلات کیفری قانون گذار از جهات مختلف محل ایراد است. این ایرادها رامی توان

در یک تقسیم‌بندی، متوجه سیر تصویب قانون و مشکلات اجرایی آن دانست. جرم‌انگاری با مشارکت حداقلی نمایندگان و وضع قانون از مسیر اضطراری اصل ۸۵ قانون اساسی، عدم توجه به قوانین پیشین که نتیجه آن تورم قوانین کیفری است، رجوع به در دسترس‌ترین ابزار یعنی مجازات و پیشتازی در کیفرگرایی در فقدان مطالعه تطبیقی تدابیر غیر کیفری، به سیر تصویب قانون برمی‌گردد.

-قوانین مدنی

مهمترین قوانین و مقرراتی که به طور مستقیم و غیر مستقیم به حمایت از زنان اختصاص دارند عبارتند از: تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی در برابر قانون، حمایت یکسان قانون از زنان و مردان و برخورداری آنان از همه حقوق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، موظف بودن دولت به تضمین حقوق زن در تمام جهات، ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست، اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آن‌ها در صورت نبودن ولی شرعی، حمایت از مادران، به خصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده و ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی زنان، که همگی در قانون اساسی ایران ذکر شده است. (وجدانی فخر، ۱۴۰۱، ۴۰)

-نتیجه‌گیری

بدون شک، در طول تاریخ و در همه فرهنگها، استیلاي مردان بر زنان وجود داشته و تبعیضات و ستمهای فراوانی در مورد آنها اعمال شده است. خشونت بر زنان، یکی از گسترده‌ترین موارد نقض حقوق بشر است که در اشکال مختلفی نمود پیدا میکند؛ خشونتهای خانگی، تجاوز جنسی، سلطه‌گری و برده‌داری، بردگی جنسی، خرید و فروش، وادار کردن به روسپیگریهای اجباری، قتل‌های ناموسی، جنسیت‌گزینی جنین، قطع اندامهای جنسی، ایراد ضرب و جرح، بارداری ناخواسته، توهین و تعرض و تجاوزات جنسی نظاممند در درگیریهای مسلحانه بین المللی و داخلی، تنها نمونه‌هایی از این خشونتهاست و هم اکنون نیز خشونت بر میلیونها زن از هر سطح و طبقه اجتماعی و اقتصادی و باهرمیزان تحصیلات سایه افکنده است. این امر، توجه و حساسیت دولتها و سازمانهای بین المللی را به خود معطوف داشته و مقابله‌نامه‌ها و سند‌های بین المللی متعددی در راستای ممنوعیت خشونتهای مختلف بر زنان تصویب شده است. با وجود این اسناد و تلاش سازمانهای بین المللی و یا سازمانهای غیردولتی، همچنان در سراسر دنیا، شاهد نقض حقوق انسانی زنان هستیم. از یک سو مشکلات اجرایی اسناد بین المللی به ویژه فقدان ضمانت اجرای کارآمد در نظام بین المللی کیفری و از دیگر سو عدم همکاری مؤثر دولتها به دلایل متفاوت، مانع اجرای مفاد اسناد بین المللی و در نهایت مانع رفع خشونت بر زنان به نحو مؤثر شده است. اگرچه نمی‌توان از تأثیر شایان اسناد مذکور و تلاشهای سازمانهای غیردولتی در گسترش مفاهیم حقوق بشری در میان اقوام و ملل متفاوت، چشم‌پوشی نمود. یکی از عوامل مهمی که در خشونت بر زنان تأثیرگذار هست محیط نامناسب همچون محیط کار یا محیط خانوادگی یا محیط اجتماعی که زن احساس امنیت نمی‌کند و همچنین فقر و سننهایی که از دیرباز نهادینه شده است که مثال بارز آن شهرهای جنوب ایران می‌باشد که به علت فقر زنان و دختران خود را برای ازدواج به کشورهای همسایه می‌فروشند. رفتار جوامع یا برخورد اطرافیان قربانی (زن) که باعث خشونت بر قربانیان می‌شود و آنان برای حفظ آبروی خود و طرد نشدن از خانواده به پنهان‌کاری بزه انجام شده روی می‌آورند.

در قوانین داخلی ایران نیز، هرچند حمایت‌های کم‌وبیش قانونی از زنان وجود دارد اما پاسخگوی شدت و وخامت جرایم ارتكابی بر زنان از سوی خانواده یا جامعه نیست. به عنوان نمونه، علیرغم وجود انکارناپذیر خشونت‌های خانگی در ایران به ویژه در خانواده‌های سنتز، حمایت قانونی ویژه - حتی در تعریف و بیان مصادیق خشونت خانگی - وجود ندارد و در صورت تحقق آن صرفاً مراجعه به قوانین عام کیفری امکان پذیر است. همچنین است. عدم وجود حمایت‌های کیفری در خصوص ازدواج‌های اجباری یا ازدواج‌های سنتی با عنوان «خون بست» یا «ناف بر» که موجب ورود آسیب‌های شدید جسمی و روانی بر دختران می‌شود. پرواضح است که مواد پراکنده کیفری به درستی نمیتواند مانع تحقق خشونت یا کاهنده آن باشد. بلکه ساز و کارهای حمایتی تنها در پرتو یک سیاست جنایی افتراقی و منسجم، کارآمد خواهد بود؛ به عبارت دیگر حمایت از بزه دیدگان بالقوه و در معرض خطر و نیز بزه دیدگان خشونت، با اقدامات سازمان یافته و هماهنگ توسط جامعه مدنی، و دولت قابل دستیابی است از یک سو جامعه مدنی همان نهادها و سازمان‌های غیردولتی، خانواده، مدرسه و رسانه‌های گروهی در بال بردن سطح آگاهی به زنان در خود باوری، مراقبت از خود و تغییر شیوه زندگی خطرناک برخی از ایشان و همچنین آموزش مفاهیم حقوق بشری و کرامت انسانی برای عموم افراد، نقش مهمی در پیشگیری یا کاهش خشونت بر زنان خواهد داشت. ضمن آنکه نهادهای مدنی میتوانند با در نظر گرفتن تسهیلات کافی برای بزه دیدگان خشونت، امکان طرح شکایت و پیگیری آن را داشته باشند. از دیگر سو، دولت در معنای عام، با تدابیر تقنینی، اجرایی و قضایی مبنی بر حمایت از زنان اقدام خواهد نمود.

-منابع

۱. آزاد، منصوره اعظم، فرد، راضیه دهقان، (۱۳۸۵)، رابطه بین جامعه پذیری جنسیتی، منابع در دسترس زنان و رابطه خانوادگی با خشونت علیه زنان در تهران: زن در توسعه و سیاست، ۴(۲-۱)
۲. اردبیلی، محمد علی، (۱۳۷۰)، شکنجه، فصلنامه تحقیقات، حقوقی، شماره ۹، ۱۸۴
۳. اعزازی شهلا (۱۳۸۰)، خشونت خانگی زنان کتک خورده، تهران: نشر سالی
۴. پژوهشکده شورای نگهبان، (۱۴۰۱)
۵. خسروی، علیرضا، بسامی، مسعود؛ قاسمی، مسعود، (۱۴۰۱)، سیاست‌های جنایی تقنینی در قبال منع خشونت علیه زنان در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی. ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۵(۸)، ۹۳۹-۹۲۶
۶. رحمتی فر، سمانه، (۱۴۰۰)، حمایت حقوقی از زنان در برابر خشونت خانگی، دو فصلنامه بین‌المللی حقوق بشر
۷. روی، مهدی، (۱۳۷۷)، زنان کتک خورده: روان‌شناسی خشونت در خانواده، ترجمه: مهدی قراچه داغی، چاپ اول، تهران: نشر علمی
۸. سرتشنیزی، ام‌الله، (۱۳۸۱)، خشونت علیه زنان و عوامل موثر بر آن مطالعه موردی شهرستان شهرکرد، پژوهش زنان، شماره ۲، صص ۵۴-۵۵

۹. - شربتیان، محمدحسن، دانش، پروانه، طوافی، پویا، (۱۳۹۶)، تحلیل جامعه‌شناختی خشونت خانگی علیه زنان و رابطه آن با احساس امنیت در خانه (مطالعه موردی زنان ۱۸-۵۴ سال شهر میانه)، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۶(۱)، ۴۷-۷۲
۱۰. - شیخ بهایی، جمال الدین محمد؛ بهرامی نژاد، علی، بهرامی خوشکار، محمد، (۱۴۰۰)، خشونت خانگی علیه زنان در پرتو نظام حقوق بشر بین‌المللی، مجله حقوق پزشکی، دوره ۱۵، شماره ۵۶
۱۱. - کرمی، موسی، مشهدی، علی، شکیب نژاد، احسان، (۱۴۰۰)، مروری بر منع خشونت علیه زنان در کنفرانس‌های جهانی ملل متحد راجع به مسائل زنان: روایت بیم‌ها و امیدها. اندیشه حقوقی، ۲(۷)، ۴۶-۲۱.
۱۲. - کهزادی، محبوبه و کهزادی، معصومه، (۱۳۹۹)، بررسی تاثیر فضای مجازی و نقش آن در خشونت علیه زنان در نظام حقوقی ایران و بین‌الملل، مجله تحقیقات حقوق قضایی دوره اول پاییز و زمستان ۱۳۹۹ شماره ۲، ۶۳۱-۶۵۴
۱۳. - گیدنز آنتونی و بردسال، کارن: جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، نشر نی، چاپ شانزدهم، ۱۳۹۹
۱۴. - محمودی، امیررضا، مجیدی، هاله، (۱۴۰۱)، کنترل، پیشگیری و مقابله با خشونت علیه زنان در قوانین موضوعه ایران، زن و مطالعات خانواده، ۱۵(۵۶)، ۱۲۸-۱۰۷
۱۵. - میرجعفری، زهره سادات، حبیبی تبار، جواد، توحیدی، احمدرضا، فتاحی، محسن، (۱۴۰۰)، مطالعه تطبیقی قوانین ملی و بین‌المللی در زمینه رفع خشونت خانگی علیه زنان. مطالعات فقهی حقوقی زن و خانواده، ۴(۸)، ۳۲-۷
۱۶. - نیازپور، امیر حسین، ۱۳۹۱، گفتمان پیمان حقوق کودک در زمینه پیشگیری از بزهکاری، در پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره ۲، ص ۱۸۸
۱۷. - وجدانی فخر، مهدیه؛ دارابی، شهرداد؛ نجفی توانا، علی، (۱۴۰۰)، بزه دیده شناسی آبی در سایه پدیده جهانی قتل زنان، مجله پلیس زن، شماره ۳۵، ۲۱-۳۹
۱۸. - وجدانی فخر، مهدیه و دارابی، شهرداد، (۱۴۰۱)، تحلیل حقوقی، جرم‌شناختی شروع به قتل عمد با تاکید بر بزه دیدگی زنان، فصلنامه کارگاه، دوره ۱۶، شماره ۵۹، ۱-۱۸
۱۹. - وجدانی فخر، مهدیه، بزه دیده شناسی آبی، (۱۴۰۱)، نشر مجد
20. - Christina, n (2015). ISIS and the Saudi vahabithrear to Asian security, ISPW strategy series: Focus on defense and international security. No. 361